عدم شذوذ قرائت حفص در «کفوا» با وجود منفرد بودن او در این قرائت

سؤال ما این است: در قرائات سبع که برای هفت قاری است، چند راوی داریم؟ چهارده راوی داریم. سیزده نفر از آنها با همزه خواندهاند؛ «كُفْءًا/ كُفُءًا»، در چهارده نفر تنها یک نفر که حفص باشد، «كُفُوًا» خوانده است. این شاذ هست یا نیست؟ سؤال من این است. شهدی که فرمودند «فی السبعه شاذ»، عبارت المقاصد العلیه این را میگیرد یا نه؟ این از منفردات حفص است. مثل «نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ[1]»، این از متفردات حفص است. چهارده راوی کنار هم هستند که سیزده نفر از آنها با همزه خواندهاند، یک نفر از آنها «كُفُوًا» خوانده است. خب نماز محل ابتلاء ما است و میخواهیم بخوانیم، اگر شاذ است که نمیتوانیم آن را بخوانیم؛ طبق فتوای شهدی و علامه و ... . اگر متواتر است، میتوانیم بخوانیم.

شاگرد: از حفص چند نفر روایت کردهاند؟

استاد: فعلاً در خود حفص هستیم، به طرق حفص میرسیم. الآن خود حفص چند نفر است؟ میگوییم یک نفر است، اما پشتوانه دارد. آقا چه پشتوانه ای دارد که کنار او سیزده نفر دیگر هستند؟! چهارده نفر با هم آوردهایم، در این جمع چهارده نفره، سیزده نفر به همزه میخواندند اما تنها یکی به واو میخواند! این شاذ است یا نه؟ این سؤال خیلی خوبی است. نوعاً بین متفردات و شاذ مخلوط میشود. تفاوت اینها نزد مثل شهدی در المقاصد العلیه کاملاً شمس واضح است. اگر به اینها توجه کنید، دیگر به اینها مبتلا نمیشویم. این مثال خیلی خوبی است. «كُفُوًا» میتوانیم بخوانیم یا نه؟ شاذ هست یا نه؟

حالا جلوتر میرویم. شما میدانید شاطبیه و تیسیر در قرائات سبع بودند؛ طرقی که داشتند بیست و هشت مورد بود. هر راوی دو طریق داشت. در تیسیر چهارده روایت بود، در شاطبیه هم چهارده روایت بود، طرقی هم که داشت را به سبع صغری نام گذاری کردیم. سبع صغری یعنی در محدوده همین بیست و هشت طریق. ابن جزری هم طبق همین سبع صغری، تحبیر التیسیر را نوشت. تحبیر شد عشر صغری. یعنی همان طرق شاطبیه و تیسیر را به قرائات عشر برد و شد تحبیر التیسیر. آن را به شعر هم در آورده است؛ الدره المضیئه؛ از کتابهای بسیار معروف است. الآن خیلی کاربرد دارد. اگر قراء را ببینید میگویند دره را خواندم و ... . کثیر التداول در السن قراء است. در کنار شاطبیه، الدره مطرح است.

ابن جزری در ادامه النشر را نوشت و آن را در طیبه النشر به نظم در آورد؛ در اینجا سراغ سبع کبری و عشر کبری رفت. یعنی طرق بیست و هشت گانه در شاطبیه و تیسیر را به چهل تا رساند. بلکه بعداً ادامه داد تا هشتصد تا هم رفت. به این طرق عشر کبری میگوییم.

سؤال این است: می‌خواهم سنگین تر شود. در بین چهارده راوی در قرائ سبعه، تنها حفص «كُفُوًا» خوانده است. خب می‌گویی‌م اگر به قرائ عشر رفتید، رواتِ آن بیست تا می‌شوند. وقتی قرائ عشر است و رواتِ آن بیست نفر است، شاید در آن بیست تا یک نفر خوانده است! می‌گویی‌م خب می‌بینی‌م. لذا به تحبیر التیسیر و النشر می‌رویم که با طرق چهل-پنجاه تا هستند و خیلی گسترده است. می‌بینی‌م احدی از آن بیست راوی، غیر از حفص «كُفُوًا» نخوانده‌اند. یعنی حفص حتی در عشر کبری منفرد است. خب این شاذ هست یا نیست؟

شاگرد: معلوم نیست.

استاد: نزد شهید ثانی قطعاً معلوم است که شاذ نیست. اصلاً برای همین توضیح می‌دهم. اصلا برای فضای شهید دو دو تا چهارتا است. بعد شواهد آن را از عبارات فقهای بزرگ می‌آورم.

شاگرد: با توجه به چیزهایی که در جامعه رواج داشته و در فضای قرائات بوده، کاملاً واضح است که شاذ نبوده است.

استاد: نه، این تحلیل نفس الامری که ذهن شما دنبال آن می‌رود را برای بعد می‌گذاری‌م. من می‌خواهم ببینم ذهنیت اهل کلاس علوم قرآن و قرائات در زمان علامه و شهید چه چیزی بوده است.

شاگرد: ظاهراً شاذ نبوده است.

استاد: در این جهت قاطع بوده‌اند. یکی از آن‌ها عبارت معروف علامه در منتهی است. فرمودند همه قرائات سبع متواتر است و قطعاً قرآن است. بعد فرمودند از میان این‌ها احب القرائات نزد من ابوبکر است. ابوبکر راوی است یا قاری است؟

شاگرد: راوی است.

استاد: درست است. می‌گویند روایت ابوبکر از عاصم نزد من احب است، و دیگری هم ظاهراً ابو عمرو بن علاء بود. فرمودند احب نزد من این دو قرائت است، بعد فرمودند اگر به‌غیر از این دو قرائت خوانده شود، لأجزأ بالخلاف. یعنی اگر شما به قرائت حفص بخوانید قطعاً قرآن خوانده‌اید و قطعا مجزی است، آن هم نه این‌که من علامه بگویم، بلکه «بالخلاف». اصلاً هیچ کسی منکر آن نیست. خب حالا چطور شد؟ بیست راوی در عشر کبری، هیچ کسی همراه حفص نبوده و تنها در این میان او است که «كُفُوًا» خوانده است. خب شما از کجا می‌خواهید این را سر برسانید؟

این‌ها را عرض کردم که در ذهن شریف شما باشد که متفردات رواتِ با شاذ فرق می‌کند. ما متفردات‌ی داری‌م که ولو بین بیست راوی متفرد است اما نزد اهل فن قطعاً متواتر است. مشکلی هم ندارند و بلاریب هم اگر با آن نماز بخوانید، مشکلی ندارد. خب چرا؟ دلیل آن این است: وقتی می‌گویی‌م تیسیر، تحبیر، النشر؛ طرق عشر کبری؛ فعلاً می‌دانی‌م وقتی تیسیر نوشته شده، تیسیر برای متواتر نوشته شده است. شما در تیسیر که شاذ ندارید. این‌ها نکات بسیار مهمی است. یعنی از اول تا آخر تیسیر، در چهارده روایتش، چون دانی اهل فن بوده خواسته در السبعه ابن مجاهد، تیسیری را بنویسد که به‌طور قطع نزد مسلمانان متواتر باشد. حتی مشهور را نمی‌آورد.

---

[1] المعارج ۱۶

به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 12:09:13 توسط ... .